



و یا شنیده به دقت به نگارش درآورده است. و همچنین شواهدی مهم دربارهٔ این کتاب و اهمیتی جایگاه آن در دست است و از آن جمله است قول پسر اسفندیار (تاریخ طبرستان، ص ۱۴۲) در مدح سخنوری قابوس که گفت: «اما هر که خواهد جلالت قدر قابوس و شمگیر بشناسد، خطب جمله کتب و تصانیف ابومنصور ثعالبی و کتاب یمینی مطالعه باید فرمود تا غزارت فضل و سخاوت و بذل و کمال عقل او بداند. چه نقش او فراید فواید و نظم او قلاید ولاید است.»

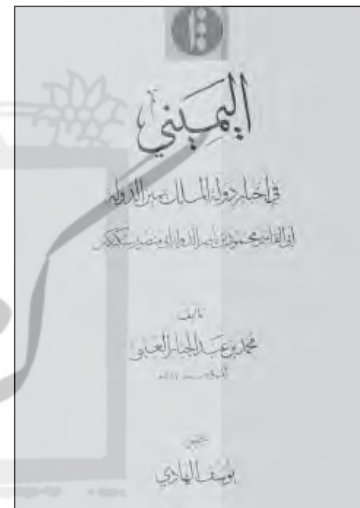
و از آن رو که این کتاب با نثر فنی فاخری نگاشته شده، همواره دستیار شیفتگان این فن بوده است. چنانکه نویسنده سخن‌دان سخن‌شناس، یعنی عوفی (در لباب‌الالباب، ج ۱، ص ۲۴)، دربارهٔ آن گوید: «الحق کتابی که غرایب بیان و روایع کلمات آن در لطافت، آب زلال و طراوت باد شمال است. دُرر و غُرر الفاظ آن، آرایش نُحورِ حور شاید، و مطالعه مَطالع و مَقاطع آن آسایشِ دلِ صدور بُود.»

ادب‌پژوهان و فرهیختگان نیز از این کتاب در آراستن عبارات و تقویت ملکهٔ نویسندگی خود بهره جسته‌اند. سُبکی<sup>۱</sup> گوید: «مردم خوارزم و توابع آن، این کتاب را بیش از مقامات حریری مورد توجه قرار داده و حتی الفاظ آن را حفظ می‌کنند و به خاطر می‌سپارند» (طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۵، ص ۳۱۵).

و باز از آن جمله است قول ادیب و مورخ ابن طَظِطِقی (در الفخری فی الآداب السلطانیة، ص ۱۶۱۵): «یمینی عُتبی کتابی است که نگارنده‌اش آن را برای یمین‌الدوله سلطان محمود پسر سبکتگین به رشتهٔ تحریر درآورده است و آن دربرگیرندهٔ زندگی‌نامهٔ جمعی از شاهان سرزمین شرق است و در آن عباراتی به‌کار برده که از فصاحتی بسیار برخوردار است و صاحب این عبارات، اگر ساحر نباشد، دست کم نگارنده‌ای زبردست است و عجمیان نیز بدان شیفته‌اند و در طلب آن بس کوشا. و به جانم سوگند یاد می‌کنم که آن، کتابی است حاوی حکمت‌هایی دقیق و تذکره‌هایی بدیع، همراه با فنون بلاغت و انواع فصاحت.»

۱. منظور عبدالوهاب سُبکی، فقیه شافعی سدهٔ هشتم هجری است، چون پدر او تقی‌الدین نیز از بزرگان فقه‌های شافعی بوده است.

الیمینی فی اخبار دولة الملك یمین‌الدولة ابی‌القاسم محمود بن ناصرالدولة ابی منصور سبکتگین، تألیف محمد بن عبدالجبار العُتبی، تحقیق یوسف الهادی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۷، ص ۷+۷۷۹.



این کتاب، نگاشتهٔ یکی از نویسندگان بزرگ انشائی عربی و نثر فنی در سده‌های چهارم و پنجم هجری یعنی محمد بن عبدالجبار عتبی، متوفای سال ۴۲۷ق است، همو که تبارش به صحابی فاتح «عتبه بن غزوان» می‌پیوست، و همو که یکی از دیوانیان عالی‌رتبهٔ دربار سلطان سبکتگین و پسرش سلطان محمود بود. او در طی سده‌های پسین الهام‌بخش منشیان دیوانی و وزیران دربار شاهان و سلاطین بوده است؛ چرا که از کتاب او بخش‌هایی بلند از بر می‌کردند تا در امر نویسندگی چیره و مایه‌ور شوند. مؤلف این اثر، خود در دل رویدادها حضور داشته است و هر آنچه از مقامات تصمیم‌گیرنده سیاسی و نظامی دیده

حاجی خلیفه (کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۲۰۵۲) درباره شروح آن می‌گوید: «عتبی در این کتاب عبارات دقیق عربی و لطایف ادبی را جای داده است و به حفظ الفاظ و شرح مشکلات آن توجهی تام دارد.» و حمدالله مستوفی تاریخ‌نگار (در تاریخ‌گزیده، ص ۳۹۱)، این اثر را همسنگ کتاب مورخ بی‌بدیل ابوالفضل بیهقی می‌داند. او ضمن معرفی سلطان محمود گوید: «و مآثر او در کار دین از شرح و بیان مستغنی. کتاب یمینی و مقامات ابونصر مشکان و مجلدات (تاریخ) ابوالفضل بیهقی شاهد حال اوست.» و در روایت آن کتاب، اجازه‌هایی گرفته می‌شد و از آن جمله است اجازه نجاتی نیشابوری به خلیفه نیشابوری (یمینی، برگ ۲۱۹ ب و ۲۲۰ الف).

از این گذشته، در این کتاب اطلاعاتی مهم از دوران حکمرانی سامانیان بر خراسان و ماوراءالنهر و بخشی از میانه ایران از سال ۲۶۱ تا ۳۸۹ ق آمده است. کتاب همچین حاوی اطلاعاتی است گسترده‌تر درباره شاهان غزنوی از دوره سبکتگین و پسرش سلطان محمود و اشاراتی به عهد دو پسرش محمد و مسعود و گزارش‌هایی از درگیری‌هایی که میان حکمرانان غزنوی و دیگر حکمرانان همسایه به منظور غلبه و تحکیم پایه‌های حکومت خود برپا می‌شد. و از این گذشته دربردارنده گزارش‌هایی است درباره جنگ‌های سلطان سبکتگین و سلطان محمود و سلطان مسعود در سرزمین هند، جنگ‌هایی که افزون بر چهل سال از تاریخ آن مناطق دوردست را شامل شده است. با این حال ثقل اصلی این کتاب بر گزارش از دولت غزنوی و جنگ‌ها و کارهای سلطان محمود غزنوی ملقب به «یمین‌الدوله» قرار گرفته است، همو که این کتاب بدو نسبت یافته و عنوان یمینی را با خود دارد.

یمینی مرجع اساسی اصلی‌ترین تألیفات تاریخی پس از خود است، همان تألیفاتی که به موضوعات شرق و غرب جهان اسلامی پرداخته‌اند. و از آن جمله است،

- مجمل‌التواریخ والقصص، نگاشته سال ۵۲۰ ق.

- السیاق لتاریخ نیشابور، تألیف عبدالغافر فارسی (د ۵۲۹ ق)

- تاریخ هرات، تألیف ثقة‌الدین ابونصر عبدالرحمن‌بن

عبدالجبار فامی (د ۵۴۶ ق)

- تاریخ بیهق، علی‌بن زید بیهقی (د ۵۶۵ ق)

- التدوین، نگاشته عبدالکریم‌بن محمد رافعلی قزوینی (د ۶۲۳ ق)

- معجم‌البلدان، تألیف یاقوت حموی (د ۶۲۶ ق)

- الکامل فی التاریخ، تألیف عزالدین علی‌بن الاثیر «ابن اثیر» (د ۶۳۰ ق)

- لب‌الالباب، تألیف محمدبن محمد عوفی بخاری (د ۶۳۵ ق)

- تاریخ جهانگشا، تألیف عطاملک جوینی (د ۶۸۱ ق)

- وفيات الأعیان، از ابن خلکان (د ۶۸۱ ق)

- الجغرافیه، تألیف علی‌بن موسی بن سعید مغربی (د ۶۸۵ ق)

- جامع‌التواریخ، از رشیدالدین فضل‌الله همدانی (د ۷۱۸ ق)

- تاریخ‌گزیده، تألیف حمدالله مستوفی (د ۷۵۰ ق)

- سیر اعلام النبلاء، تألیف ذهبی (د ۷۷۱ ق)

- طبقات الشافعیة الکبری، از سُبکی (د ۷۷۱ ق)

- العبر، تألیف ابن خلدون (د ۸۰۸ ق)

- سعادت‌نامه، از غیاث‌الدین علی یزدی که بین سال‌های ۸۰۰ و ۸۰۱ ق تألیف کرده است.

- مجمل فصیحی، از فصیح‌بن احمد خوافی (زنده در ۸۴۵ ق)

- سمط النجوم العوالی، از عبدالملک عصامی (د ۱۱۱۱ ق).

در این کتاب انبوهی از متون ادبی از قبیل چکامه‌ها و ارجوزه‌ها و نامه‌ها و نثر فنی نامدارانی که در سایه آن حکومت‌ها به چیرگی رسیده‌اند آمده و در باب این نامداران که برخی از آنان وزیران سامانیان و غزنویان بوده‌اند، آگاهی‌های ارزشمند ذکر شده است.

در این کتاب اطلاعات تاریخی و جغرافیایی ویژه‌ای درباره کشورهای افغانستان کنونی و ایران و هند و آسیای میانه هم یافت می‌شود. از جمله دلایلی که این کتاب را منحصربه‌فرد کرده است اینکه پژوهشگران برای آگاهی یافتن از واقعیت‌های جاری در این کشورها و حکومت‌ها از آن بهره می‌جویند.

در کتاب نام‌های اماکن جغرافیایی آمده که برخی از آن‌ها را حتی در کتاب‌های تخصصی جغرافیایی کشورها مانند مجمع‌البلدان و جز آن نیز نمی‌توان یافت.

از آنجا که نثر این کتاب از نوع عالی نثر فنی است،

لغت و تاریخ و جغرافیا آورده است، چندانکه از جمیع نوشته‌های خود، خصوصاً از منطقه جغرافیایی‌ای که بخشی از سرزمین او بود و یا دست‌کم محل رفت و آمد او محسوب می‌شد، آگاهی تام و تمامی داشته است.

از آنجا که این شرح همچنان به صورت نسخه خطی باقی مانده، مصحح با کمک این شرح اطلاعات ارزشمندی را در اختیار خوانندگان نهاده است. بنابراین با استفاده از کتاب الیمنی مشکلات تاریخ یمینی را در حاشیه نسخه چاپی شرح داده است.

و اما شرح معروف الفتح الوهبی علی تاریخ ابی نصر العتبی، تألیف احمد بن علی بن عمر عدوی منینی (۱۰۸۹-۱۱۷۲ق) که آن را به سال ۱۱۴۷ق به پایان رسانیده، چاپ رایج و در دسترس است، ولی آن فایده‌هایی را که در شرح صدرالافاضل هست در این کتاب یافت نمی‌شود.

مؤلف بالاترین فنون بلاغت و سخنوری خود را به کار گرفته است. و هم از این‌روست که استادان نثر و بلاغت شروح بسیار بر آن نگاشته‌اند. ولی ما از میان این همه شروح فقط به کتاب الیمنی فی شرح الیمینی استناد کرده‌ایم، و این اثر تألیف مجدالدین صدرالافاضل قاسم بن حسین طرائفی خوارزمی (۵۵۵-۶۱۷ق) است. که به دست قوم تاتار به شهادت رسید. او تألیفات بسیار و در ادبیات عربی تبحر داشت. او همان بزرگی است که یاقوت حموی به دیدارش نایل آمد و شرح حال او را به تفصیل نوشت و درباره‌اش چنین گفت: «صدرالافاضل به‌راستی که در عربیت یگانه دهر است. در ادبیات عربی تبحر دارد و در سرودن شعر و نگارش نثر و انشای خطبه‌ها چیرگی دارد.» در این شرح نویسنده به‌غایت دقیق کار کرده است و اطلاعات سودمندی از حیث

منتشر می‌شود:

### ضمیمه‌های آینه میراث

- شاهدخت والاتبار، شهربانو، والدۀ معظمۀ حضرت علی بن الحسین سجاد (علیهما السلام)، احمد مهدوی دامغانی.

- متون شرقی، شیوه‌های غربی، محمود امیدسالار.

- فرهنگ اصطلاحات پول و سکه‌ها، شادروان عبدالله عقیلی.

- متون طبری، حبیب برجیان.

- آثار مورخان عثمانی، نصرالله صالحی.

- تحفة گلچین، پرویز گلچین معانی.

- دیوان نیازی اصفهانی (فاکسیمیله)، نیازی اصفهانی.

